بیانات معظم له در دیدار مسؤولان و قشرهای مختلف مردم در روز ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) - 14 /شهریور/ 1372

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

بنده هم متقابلاً این روز سعید را که میلاد پیامبر نور و آزادی و مظهر علوّ پایه‌ی انسانی و نیز میلاد فرزند برومند او امام جعفر صادق علیه‌الصّلاة‌والسّلام است، به همه‌ی مسلمانان عالم و به ملت عزیز ایران و به شما حضّار گرامی و میهمانان، تبریك عرض می‌كنم.

ولادت نبیّ اكرم صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم، از چند نظر برای ما مسلمانان حائز اهمیّت است. یعنی سالگرد بسیار بامعنا و پرمضمونی است. جهت اوّل این است كه ولادت آن بزرگوار، در دنیا و در تاریخ، در زمانی واقع شد كه بشریّت بر روی هم نه یك ملت خاص یا اهل كشور خاصّی را عرض كنیم ؛ بلكه مجموعه‌ی بشریّت دو خصوصیت بارز داشت. یكی از این دو خصوصیت این بود كه از لحاظ علمی و عقلانی و فكری، نسبت به آحاد بشر در ادوار گذشته‌ی خودش، بسیار پیشرفته بود. در میان آنها، فلاسفه‌ای پدید آمده و دانشمندانی پیدا شده بودندریاضیدانها، پزشكان، مهندسین بزرگ و تمدّنهایی سر پا شده بود. این تمدّنها، بدون علم كه نمی‌شد! آكادمیها در غرب، هگمتانه‌ها در شرق، تمدّن چین، تمدّن مصر و تمدنهای بزرگ تاریخی، همه عبور كرده بودند. یعنی بشر، كامل شده بود. این، یك خصوصیت.

خصوصیت دوم كه جمع این دو خصوصیت با هم، خیلی عجیب است این است كه بشر در آن روز از لحاظ اخلاقی، از همیشه‌ی گذشته، منحطتر، یا اگر نخواهیم این نسبت را بیان كنیم، باید بگوییم: در اوج انحطاط بود. همین بشر برخوردار از علم و دانش، به‌شدّت اسیر تعصّبات، اسیر خرافات، اسیر خودخواهیها، اسیر ظلم و ستم و اسیر دستگاههای حكومتهای مردم‌كش و ضدّبشری بود. چنین وضعی در دنیا حاكم بود. كسی اگر تاریخ را ملاحظه كند، خواهد دید كه در آن دوران، همه‌ی بشریّت اسیر بودند. همان‌طور كه در كلام امیرالمؤمنین علیه‌الصّلاة‌والسّلام است كه «فی فتن داستهم بأخفافها و وطئتهم باظلافها و قامت علی سنابكها. (53)» در نهایت فتنه و فشار و مشكلات و برادركشی. بشر زندگی تلخی را می‌گذرانید. «نومهم سهود.» در همین خطبه، امیرالمؤمنین می‌فرماید: «خواب راحت به چشم مردم نمی‌آمد.»

اشتباه است اگر كسی خیال كند كه این مشكلات، مخصوص همان جزیرةالعرب بوده است ؛ نه. در مهد تمدّن آن روز دنیا، یعنی در كشور روم آن روز هم كه شما نگاه كنید، همین حرفها بود. آن‌جا هم كه آن روز، به اصطلاح، ادّعا می‌كردند دمكراسی و مجلس ِ سنا دارند، استبدادها و فسادهایی بر مردم حاكم بود، كه شما وقتی كتاب آن را بخوانید، پیش‌خودتان خجالت می‌كشید. انسان شرم می‌كند كه بشر در روزگاری، دچار چنین انحطاطی بوده است. ایران باستان ما هم، از این جهت بهتر از روم نبود. اینها هم، قدرت و شمشیر و نیزه و جنگاوری و سلحشوری و از این چیزها داشتند ؛ اما اختلاف طبقاتی و ظلم و تبعیض و فساد و زورگویی و جهل و خرافه هم، بی‌حدّ و اندازه داشتند. در چنین شرایطی، این مولود مبارك و این پیام‌آور الهی، برای نجات بشریّت پا به عرصه‌ی وجود گذاشت.

این‌كه در آثار و تواریخ هست كه كنگره كاخ كِسری شكست و نشانه‌های بت‌پرستی و شرك در گوشه و كنار دنیا متزلزل شد، اگر این آثار قطعیّت داشته باشد، شاید همان قدرت‌نمایی الهی است، برای اعلام رمزی حضور این قدرتی كه قرار است همه‌ی پایه‌های ظلم و فساد را درهم بشكند و علم را از خرافه و تمدّن را از فساد و ظلم، پاك و آراسته كند. این كار را پیغمبر بزرگوار ما كرد. این مولود مقدّس، در هنگام بعثت بزرگ خود، با چنان دنیایی روبه‌رو شد و با

جهادی بسیار دشوار، انسانیت را از جهل، از خرافات، از فساد، از ظلم، از تعصّبات دودمان برانداز، از زورگویی انسانها به یکدیگر و ستم انسانها و سوار شدن آنها بر دوش یکدیگر، جلوگیری کرد. اصلاً بساط بشریّت را دگرگون کرد. یك بساط جدید و یك وضع جدید را در دنیا به وجود آورد. بدیهی است که کار پیغمبر خاتم صلّی‌اللّه‌علیه وآله‌وسلّم، این نبوده است که همه‌ی دنیا را اصلاح کند. نه! آن بزرگوار بایستی این مستوره عملی را، این نمونه‌ی درست را از وحی الهی می‌گرفت و به بشر می‌داد، تا بشر در طول زندگی خود آن را به کار بندد، و از آن لحظه به لحظه استفاده کند. این‌که چه کسی به کار بست و چه کسی ضایع کرد، بحث دیگری است. آن بزرگوار، رسالت خود را به تمام انجام داد و کار خود را کامل کرد و به جوار رحمت الهی پیوست.

امروز هم، از این جهت این سالگرد مهمّ است که توجّه کنیم دنیا، هم از لحاظ علمی جلو و پیشرفته است، هم از لحاظ اخلاقی به‌شدت در حضیض است. کار دنیا به جایی رسیده است که قدرتهای زورگوی عالم، جلو چشم مردم دنیا، معروف را منکر و منکر را معروف می‌کنند! به نظر من، در عالمِ فساد و تباهی بشریّت، هیچ چیز دیگر بالاتر از این نیست. این‌که پیغمبر اکرم طبق روایت فرمود: «کسانی پیدا خواهند شد که امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند» و مردم که تعجّب کردند، فرمود: «منکر معروف خواهد شد» ؛ انسان احساس می‌کند که امروز هم در دنیا چنین وضعی را دستِ قدرتِ مادّیِ استکباریِ لجام گسیخته‌ی متکبّر متفرعن زورگویِ استکبار به وجود می‌آورد. رو راست به مردم دروغ می‌گویند و این دروغ را یك کار مقدّس می‌شمارند! ظلم را تشویق می‌کنند و ظالم را به خاطر این ظلم، ذی‌حق به حساب می‌آورند! مظلوم را نکوهش می‌کنند و بر سر مظلوم می‌زنند و این بر سر مظلوم زدن را کاری خوب به شمار می‌آورند!

امروز در دنیا این‌گونه شده است. یك عدّه رفته‌اند فلسطین را غصب کرده‌اند و به غصب فلسطین هم اکتفا نکرده‌اند. مسلمانان فلسطینی را در طول چهل و چند سال، مرتباً زیر فشار قرار داده‌اند و آوارگی و کشتار و تحقیر و تذلیل به وجود آورده‌اند. این، یك منکر واضح است. کیست، که اگر کسی به خانه‌ی شما وارد شود و بر سر شما بزند، او را تخطئه نکند؟! ظالم را باید تخطئه کرد. امروز شما ملاحظه بفرمایید: قدرتهای اروپایی، امریکا و نوکرهایشان ؛ آنهایی که ریششان دست این قدرتها و شانه‌شان زیر بار آنهاست ؛ حکومتهایی که به انگشتِ امریکا بر سر کار آمده‌اند و با ملتهای خودشان ارتباطی ندارند، همه دست به دست هم داده‌اند تا کار این ظالمی را که با این وضوح این ظلم را کرده است و ادامه می‌دهد، تصویب کنند. از آن طرف جوانان مسلمانانِ به ستوه آمده‌ی جان به لب رسیده‌ی فلسطینی و لبنانی، وقتی با این ظالم و ستمگر، جهادی می‌کنند که در نظر همه‌ی عقلای عالمْ یك عمل ممدوح است، از اطراف صدا بلند می‌شود که «اینها تروریستند ؛ اینها ظالمند! چرا کشتید؟! چرا زدید؟! چرا تسلیم نشدید؟! چرا سازش نکردید؟!»

دیگر از این بالاتر فساد در این دنیا نمی‌شود! فساد یعنی این! «ما ملئت ظلماً و جوراً (54)» یعنی این! یك عدّه در اروپا در «یوگسلاوی» سابق جمع شدند و یك‌عدّه مردم همین منطقه مردم بوسنی هرزگوین را که مال آن‌جایند، اهل آن‌جایند، نه مهاجرند، نه خودشان، بلکه ده‌پشتشان، مردمی هستند مال همان سرزمین و از همان نژاد، محاصره کردند، بمب روی سرشان ریختند، زندگی‌شان را ویران کردند، خودشان را بیرون کردند، هزاران نفر از آنها را کشتند، اموالشان را غارت کردند، در اردوگاهها بدترین بلاها را بر سرشان آوردند و حتّی به نوامیسشان تعرّض کردند ؛ آن‌وقت همین آقایان مدّعیان دفاع از حقوق بشر و حقوق زن و حقوق حیوانات و حقوق کودکان و از این دروغها که در دنیای امروز رایج است، نشستند تماشا کردند! به تنها کاری که دست زدند، این بود که منطقه را محاصره کردند تا سلاح به اینها نرسد!

عجب! اقوام مسلّح کروات و صرب که احتیاج به سلاح کسی ندارند، آمده‌اند یك قوم غیر مسلّح را محاصره کرده‌اند و

شما می‌آیی دور اینها زنجیر می‌کشی که احدی به این منطقه سلاح نیاورد؟! این معنایش چیست؟! آیا وقاحت نیست که کسی این را «صلح‌طلبی» بنامد؟! این صلح طلبی است یا قتل عام آن عدّه مسلمان بیچاره است؟! این منکر بزرگ در دنیا، این است. فساد بزرگ یعنی اینِ‌الان هم تقریباً دو سال است که این مسأله‌ی مسلمان‌کشی در منطقه‌ی یوگسلاوی سابق در جریان است. در این دو سال نیز همین‌طور فقط حرف زدند. آنهایی را هم که جدّی می‌خواستند کار کنند، نگذاشتند. ما در این قضیه، جدّی بودیم. هم مردممان، هم جوانانمان، هم دولتمان و هم دستگاههای کشور، بینی و بین‌الله همه حاضر بودند برای همه‌ی کارهایی که می‌توانستند. بعضی کشورهای اسلامیِ دیگر هم، جدّی بودند. این را هم ما بالعیان دیدیم که انصافاً بعضی از کشورهای اسلامی در این قضیه جدّی بودند و ملاحظه‌ی آمریکا و غیر امریکا را نکردند. آنهایی را که جدّی بودند، پشت خط نگه‌داشتند ؛ چرا که منطقه، دست آنهاست.

آقایان! ایرانیان! مسلمانان! مردم دنیا! بدانید اینها در مورد جنگ ایران و عراق نیز همین کار را می‌خواستند بکنند، منتها نتوانستند. آرزوی اینها این بود که آن بلایی که در اروپا بر سر مسلمانان بوسنی هرزگوین آمد، در این‌جا بر سر مسلمانان ایران بیاید. می‌خواستند در افغانستان بر سر افغانهای مسلمان، همین بلا بیاید. اینها این را آرزو داشتند و می‌خواستند ؛ اما نتوانستند. حالا در آن‌جا ناخنشان بند شده است به این بیچاره‌های هم منطقه‌ای خودشان که اروپایی هم هستند. این، وضع دنیا و فساد اخلاقی دنیاست.

البته علم پیش‌رفته است. یك عدّه می‌نشینند به پیشرفتهای علمی امریکا و بقیه‌ی جاها نگاه می‌کنند و حسرت می‌خورند. پیشرفت علمی، مسلّماً ستایش دارد. عقب‌ماندگی علمیِ کشورهای عقب افتاده، مسلماً یك نکبت است و خدا کسانی را که این نکبتها را بر سر ملتهای مسلمان آوردند، مورد عذاب متزاید خودش قرار دهد و لعنت خدا بر دودمان مشؤوم و ننگین پهلوی و قاجار که این بدبختی را اینها بر سر ملت ما در طول دویست سال گذشته آوردند. والا ما از لحاظ علمی، از امریکا بسیار جلوتر بودیم ؛ ما از لحاظ علمی، در روزگاری از اروپا بسیار جلوتر بودیم. همین سلاطین، همین حکومتهای جائر، همین فرعونها و طاغوتها ؛ همینهایی که حالا پس‌مانده‌ها و تفاله‌هایشان در این‌جا و آن‌جا مجلّه و روزنامه منتشر می‌کنند و دم از همه چیز می‌زنند، نگذاشتند این ملت پا به پای ملل عالم، بلکه جلوتر از آنها، پیش برود. بله ؛ عقب‌ماندگی علمی تأسّف دارد. راهش هم این است که جوانان، بزرگها، پیرها، دانشمندان و مسؤولین، همه و همه بکوشند و این خلأ را پر کنند. اما این‌که فلان کشور پیشرفت علمی دارد، دلیل رستگاری آن کشور و آن ملت نیست. این را بدانید. ای بسا ملتهایی که از لحاظ علمی، امروز در اوجند، اما تا خرخره در لجن و فساد غوطه می‌خورند. همین الان در دنیا، با نامهای بزرگ و زیر چتر ابرقدرتی، چنین ملتهایی زندگی می‌کنند. این را بدانید. در آن کشورها، زن، سیه‌روز است ؛ مرد، بیچاره است ؛ جوان، نابود شده است. دستهای فساد و فحشا و اعتیاد و جنایت و همه‌ی فنون بدبختی بشر، در آن‌جا قتل عام و بیداد می‌کند. منتها پوشش تبلیغاتی نمی‌گذارد این فجایع و مفاسد برملا شود. وقتی یك بلندگوی قوی دست یك جاهل و یك ظالم باشد، در بین هزاران نفری که بلندگو ندارند ولو میان آن هزاران نفر، از علما و فضلا و آدمهای حسابی باشند صدای این، بر صدای همه‌ی آنها غالب خواهد شد. امروز، دنیا این‌گونه است.

امروز شبکه‌ی تبلیغاتی دنیا، دست صهیونیستهاست. همین خبرگزاریهای معروف، اغلبشان صهیونیستند. صهیونیستها نسبت به اسلام چه خواهند گفت؟ نسبت به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی چه خواهند گفت؟ نسبت به آن قدرتی که پای مسأله‌ی فلسطین و آرمان فلسطین ایستاده است چه خواهند گفت؟ معلوم است که سر تا پا، یا فحش است، یا تهمت است. اگر نباشد، باید تعجّب کرد. این، یك نکته در باب امروز که به طول انجامید.

نکته‌ی دوم را کوتاه عرض می‌کنم و آن، مسأله‌ی وحدت است. عزیزان من! مسلمانان دنیا، زیر نام نبیّ اکرم

صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، راحت‌تر و سهلتر از همه‌چیز، می‌توانند متّحد شوند. این، خصوصیت آن بزرگوار است. من بارها عرض کرده‌ام: «آن بزرگوار، مجمع و ملتقای عواطف مسلمانان است. مسلمان، به پیغمبر خود عشق می‌ورزد.» خدایا! تو شاهدی که دلهای ما مالامال از محبّت پیغمبر است. از این محبّت، باید استفاده کرد. این محبّت، راهگشاست. امروز مسلمانان به اخوّت و برادری احتیاج دارند. امروز شعار «انّما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم (55)» از همیشه جدّی‌تر است. امروز این ضعف و ذلّتی که مسلمانان کشورهایی در دنیا دچار آن شده‌اند، ناشی از همین تفرّق و اختلاف است. اگر مسلمانان متّحد بودند، فلسطین این‌طور نمی‌شد. بوسنی آن‌طور نمی‌شد. کشمیر آن‌طور نمی‌شد. تاجیکستان این‌طور نمی‌شد. مسلمانان اروپا، آن‌طور در محنت زندگی نمی‌کردند. مسلمانان در امریکا، آن‌طور مورد زورگویی قرار نمی‌گرفتند. علّت این است که ما با هم اختلاف داریم.

منادی وحدت، جمهوری اسلامی بود ؛ همه‌ی قدرتهای استکباری ریختند سر جمهوری اسلامی! البته جمهوری اسلامی، یك تنه از پس همه‌ی آنها برآمد. چرا؟ چون منادی وحدت بود و آنها با وحدت دشمنند. وحدت مسلمین، به ضرر آنهاست ؛ لذا سعی می‌کنند وحدت را بشکنند. من عرض می‌کنم: علمای شیعه و سنّی، در هر جای دنیا که هستند، و از جمله در کشور عزیز ما، باید مواظب باشند. این وحدت در ایران، گران به دست آمده است. این ندای وحدت در دنیا، گران جا افتاده است. این را آسان نشکنید! هر که بشکند خیانت کرده است ؛ هر که می‌خواهد باشد. فرقی نمی‌کند سنّی باشد یا شیعه باشد.

این‌که امام بزرگوار توانست اسلام را عزیز کند، به برکتِ ایجادِ احساسِ وحدت در بین مسلمین بود. مسلمان در اقصی نقاط عالم، به نام امام حرکت می‌کرد. فکر نمی‌کرد که «مذهب من چیست؟» «من سنّی‌ام، او شیعه است.» «او سنّی است، من شیعه‌ام.» این حالت برای دشمن، حالت مضرّی است. دشمن می‌خواهد این را بشکند. حال اگر دوست این را بشکند چه؟ اگر به‌جای قدرتهای استکباری، خودِ من و شما، با حرف‌زدنمان، با نوشتنمان، با گفتنمان، این وحدت را بشکنیم، شیعه را از سنّی، سنّی را از شیعه جدا کنیم، چه می‌شود؟ بعد که اینها از هم جدا شدند، نوبت می‌رسد به فرقه‌های سنّی: این فرقه را از آن فرقه، اصحاب این اصول را از اصحاب آن اصول، اصحاب این فروع را از اصحاب آن فروع. بعد نوبت می‌رسد به شیعه: این فرقه را از آن فرقه، این دسته را از آن دسته! مگر بر کسی ابقا می‌کنند چرا ما باید به خواست دشمن حرکت کنیم؟ این‌که امام این‌قدر روی مسأله‌ی «وحدت» تکیه می‌کردند، برای این است که این، یك مسأله‌ی احساساتی نیست. این یك مسأله‌ی عقلانی است. هر کس به مقدّسات آن فرقه‌ی دیگر اهانت کند، اگر با خشونت و اهانت با فرقه‌ی دیگر برخورد کند، به هر اندازه که بُردِ کار او باشد، به این وحدت ضربه زده است ؛ هر که می‌خواهد باشد.

البته بنده یك کوت کتاب از کتابهایی دارم که با دلارهای نفتی عالم‌نماهای ضدّ شیعه باید گفت ضدّ اسلام و ضدّ قرآن علیه شیعه و علیه امام و علیه انقلاب نوشته‌اند، و یك نسخه‌اش این‌جا نصیب ما شده است که ما همین‌طور نگاه کنیم ببینیم چه کار می‌کنند؟ متقابلاً باید چه کار کرد؟ این همه تلاش مبارك و مخلصانه برای تقریب انجام می‌شود همین مجمع‌التّقریبی که ما این‌جا داریم، یا بقیه تلاشهایی که در دنیا برای تقریب می‌شود همه‌ی اینها را رها کنیم برای این‌که جاهلی یا خبیثی یا مزدوری حرکتی کرده است؟! عوض افشاگری، شروع کنیم به کار متقابل، اهانت، ایجاد تفرقه؟! این درست است؟! این همان چیزی است که بزرگداشت ولادت نبیّ اکرم، از آن منع می‌کند.

پروردگارا! به محمّد و آل محمّد، امّت اسلامی را به سمت فلاح و نجاح هدایت فرما! ما را با تکالیفمان آشنا کن. روح مقدّس امام بزرگوار را با پیغمبر محشور کن. شهدای عزیز این راه را با شهدای صدر اسلام محشور کن. ما را به وظایف خودمان آشنا فرما! قلب مقدّس ولیّ عصر ارواحنافداه را از ما راضی فرما.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

---

53) نهج‌البلاغه: خطبه‌ی دوم (پس از بازگشت از جنگ صفّین)

54) یملأ الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» / اعلام الوری: ص 401 (حدیث نبوی)

55) حجرات: 10.